اعتبارسنجی خبرواحد در تفسیر قرآن؛ مطالعه تطبیقی مبانی و روش‌های مواهب الرحمن والمیزان
حسین نورزی / سیدرضا موسوی / محمدعلی خالدیان / مهدی افچنگی
علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۹-۲۲

اعتبارسنجی خبرواحد در تفسیر قرآن؛ مطالعه تطبیقی مبانی و روش‌های مواهب الرحمن و المیزان

حسین نورزی[۱] / سیدرضا موسوی[۲] /
محمدعلی خالدیان[۳] / مهدی افچنگی[۴]

چکیده: تفسیر «مواهب الرحمن» اثر آیت‌الله سبزواری و «المیزان» تألیف علامه طباطبایی، از برجسته‌ترین تفاسیر شیعه معاصر هستند که هر یک رویکرد ویژه‌ای در بهره‌گیری از حدیث اتخاذ کرده‌اند. هدف این مقاله، بررسی علمی و تطبیقی اختلاف دیدگاه این دو مفسر درباره اعتبار و کارآمدی روایات در تفسیر قرآن است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به واکاوی نحوه استناد، معیارهای پذیرش و جایگاه روایات در هر دو تفسیر پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که علامه طباطبایی تنها روایاتی را معتبر می‌داند که متواتر باشند یا با قرائن قطعی صدق همراه باشند و اخبار آحاد را جز با پشتوانه یقین و قرائن معتبر، واجد اعتبار تفسیری نمی‌شمارد؛ در مقابل، آیت‌الله سبزواری حجیت خبر واحد را در تفسیر قرآن تأکید کرده و سنت را منبعی اساسی برای فهم معانی مختلف قرآن می‌داند. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که نحوه اعتبارسنجی حدیث می‌تواند کیفیت و جهت‌گیری تفسیر قرآن را به‌طور بنیادی دگرگون کند.

کلیدواژه‌ها: خبر واحد، تفسیر قرآن، روش‌شناسی تفسیری، المیزان، مواهب الرحمن.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. 629659986@iau. ac. ir
۲. گروه معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول). r3131393@iau. ac. ir
۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. MA. Khaledian@iau. ac. ir
۴. گروه معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. mehdiafchengi@iau. ac. ir

مقدمه

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی هدایت انسان‌ها، همواره نیازمند تفسیری دقیق و مستدل برای فهم پیام‌های آن بوده است. در طول تاریخ، مفسران شیعه و سنی تلاش کرده‌اند تا با استفاده از منابع نقلی، به ویژه احادیث نبوی و اهل‌بیت علیهم‌السلام، معانی ظاهری و باطنی آیات را تبیین کنند و راهنمای عملی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان ارائه دهند. روایات، به ویژه اخبار آحاد، نقش مهمی در تعیین مصادیق، توضیح احکام و کشف بواطن قرآن دارند و بی‌توجهی به آنها می‌تواند تفسیر را از مسیر معقول و مستدل خارج کند و به «تفسیر به رأی» منجر شود.

با این حال، نحوه اعتبارسنجی خبر واحد در تفسیر قرآن همواره محل اختلاف بوده است. برخی فقها و اصولیان، اخبار آحاد را صرفاً در فقه معتبر می‌دانند و حجیت آنها را در تفسیر محدود می‌شمارند، در حالی که گروهی دیگر با اتکا به سیره عقلایی و تجربه تفسیری، حجیت خبر واحد را در فهم قرآن می‌پذیرند. این اختلاف نه تنها ماهیت روایی تفسیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند برداشت معنایی، تحلیل لایه‌های باطنی آیات و شکل‌بندی موضوعی تفسیر را نیز دگرگون کند.

در میان مفسران معاصر شیعه، دو دیدگاه متمایز و پررنگ در این زمینه دیده می‌شود: علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» با گرایش عقلانی و تحلیل درون‌متنی، تنها روایاتی را معتبر می‌داند که یا متواتر باشند یا با قرائن قطعی همراه باشند، در حالی که آیت‌الله موسوی سبزواری در «مواهب‌الرحمن» با پیشینه اصولی و فقهی، خبر واحد را منبعی معتبر و ضروری برای درک سطوح مختلف قرآن می‌شمارد. تفاوت این دو رویکرد، ضرورت بررسی تطبیقی و علمی این موضوع را آشکار می‌سازد و اهمیت پژوهش حاضر را روشن می‌کند.

بیان مسئله

با توجه به اختلاف دیدگاه مفسران درباره اعتبار خبر واحد، پرسش اصلی این پژوهش شکل می‌گیرد: «آیا حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن نیازمند ضوابط خاص و قرائن قطعی است، یا می‌توان با اتکا به سیره عقلایی و تجربه تفسیری از آن بهره برد؟». اما پاسخ به این

پرسش تنها مسئله‌ای فقهی یا نقلی نیست؛ بلکه نقطه تلاقی علوم اصول فقه و روش‌شناسی تفسیری محسوب می‌شود. نحوه اعتبارسنجی خبر واحد بر کیفیت، دقت و عمق برداشت معنایی از آیات تأثیر مستقیم دارد و می‌تواند مسیر عمل فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار دهد.

ضرورت این پژوهش از دو جنبه قابل بررسی است: ۱) تحلیل علمی و شفاف‌سازی معیارها و ضوابط پذیرش روایات آحاد در تفسیر قرآن، ۲) بررسی اثر این معیارها بر روش‌شناسی و برداشت معنایی مفسران معاصر.

سه پرسش فرعی پژوهش عبارتند از: ۱. رویکرد علامه طباطبایی و آیت‌الله سبزواری در پذیرش خبر واحد در تفسیر قرآن چگونه است؟ ۲. معیارها و ضوابط هر مفسر برای اعتبارسنجی روایت چیست؟ ۳. تفاوت این رویکردها چه تأثیری بر روش‌شناسی و برداشت‌های معنایی آن‌ها دارد؟

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تطبیقی، داده‌های مربوط به دیدگاه دو مفسر را از منابع اصلی «المیزان» و «مواهب‌الرحمن» استخراج و تحلیل می‌کند تا نقاط اشتراک، افتراق و اثرات روش‌شناختی این رویکردها روشن شود.

۱) پیشینه تحقیق

مسئله حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن همواره موضوع اختلاف میان اندیشمندان اسلامی بوده است. برخی، چون معرفت (۱۳۸۰) و ناصح (۱۳۸۲)، خبر واحد را با استناد به بنای عقلاء و نسبت‌دهی مفاد به معصوم، در تفسیر معتبر می‌دانند. در مقابل، لاریجانی (۱۳۸۱) و عزیزان (۱۳۸۷)، تنها اخبار متواتر یا روایات دارای قرائن قطعی را معتبر دانسته و اعتبار خبر واحد را به حوزه فقه محدود می‌کنند. مصباح یزدی (۱۳۸۹) رویکردی میانه مطرح کرده و توجه به ظنیات را، با هدف گذر تدریجی به اطمینان و علم در تفسیر، ضروری می‌داند.

بررسی پیشینه پژوهش‌ها گویای آن است که اغلب مطالعات پیشین عمدتاً به بیان نظری دیدگاه‌ها بسنده کرده‌اند و به تطبیق عملی آن‌ها در تفاسیر برجسته کمتر توجه شده

است. نوآوری پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی دو رویکرد اصلی تفسیری، یعنی رویکرد تفسیری المیزان و مواهب‌الرحمن، و بررسی پیوند میان مبانی و روش تفسیری هر یک است؛ موضوعی که تاکنون در مطالعات پیشین به صورت هم‌زمان و عملی بررسی نشده است. بنابراین، مرور دیدگاه‌های پیشین نشان می‌دهد که درباره حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن، اجماع وجود ندارد؛ برخی اندیشمندان، اعتبار آن را عام دانسته‌اند، در حالی که گروهی دیگر آن را به امور فقهی محدود و در حوزه تفسیر و معارف، بی‌اعتبار تلقی کرده‌اند. در این میان، آیت‌الله مصباح یزدی ضمن مرزبندی میان حوزه تعبد و علم، بر این باور است که تفسیر، فرآیندی علمی و استدلالی است و بهره‌گیری عقلایی از اخبار آحاد معتبر، هنگامی که به تقویت علم مفسر انجامد، قابل قبول خواهد بود. از سوی دیگر، علامه طباطبایی علی‌رغم عدم پذیرش حجیت خبر واحد، در تفسیر المیزان، کاربست این روایات را به‌منظور استظهار قرآنی و بیان برداشت‌های عمیق‌تر مد نظر قرار داده است. در مجموع، کاربرد خبر واحد در تفسیر قرآن، همچنان مسئله‌ای محل بحث و نسبتاً مهجور در پژوهش‌های تطبیقی است. واکاوی مبانی و روش‌های تفسیری این دو مفسر برجسته و مقایسه تطبیقی آثار آنان، می‌تواند راهگشای حل برخی ابهام‌ها و توسعه رویکردهای نوین در تفسیر شیعی باشد؛ مسأله‌ای که مقاله حاضر به دنبال تبیین و بررسی آن است.

۲) تحلیل دیدگاه‌های دوگانه مفسران درباره حجیت خبر واحد در تفسیر

در سنت تفسیری امامیه، دو رویکرد غالب در خصوص حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن شکل گرفته است: جمعی از قدماء امامیه، خبر واحد ثقه را در تفسیر قرآن حجت دانسته‌اند. آنان معتقدند «علم» مورد نیاز در تفسیر، علم عرفی است و حصول ظن قوی با خبر واحد ثقه، برای فهم و عمل کفایت می‌کند؛ هرچند یقین مطلق حاصل نشود. طبق این دیدگاه، همین میزان اطمینان که خبر مورد وثوق ایجاد می‌کند، بنای عقلایی داشته و برای تفسیر کافی است. از پیشگامان این دیدگاه می‌توان به علامه مجلسی (بحارالأنوار، ۲۴۵/۲)، سید عبدالله شبّر (۱۴۲۴: ۵۷۱)، میرزای قمی (۱۳۷۸: ۱۷۷)، ملا احمد نراقی (۱۴۱۷: ۴۳۹) و عبدالکریم حائری (۱۳۳۸: ۵۸/۲) اشاره کرد.

در مقابل دیدگاه اثباتی، شماری از فقیهان و مفسران امامیه همچون شیخ مفید، ابوالصلاح حلبی، محقق حلی، شیخ طوسی و نائینی حجیت خبر واحد را در عرصه تفسیر قرآن مردود شمرده‌اند. شیخ مفید تصریح می‌کند تفسیر قرآن همچون معارف اعتقادی نیازمند علم یقینی است و اخبار آحاد فاقد این ویژگی‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۱۶۰/۵). شیخ طوسی نیز حجیت خبر واحد را مخصوص فقه دانسته و در تفسیر معتبر نمی‌شمارد (طوسی، بی‌تا: ۶/۱–۷). نائینی، آقا ضیاء عراقی و جمعی دیگر، تعبد به خبر واحد را تنها در احکام شرعی لازم می‌دانند و بر این باورند که اگر خبر اثری شرعی نداشته باشد، حجت نیست و در تفسیر و مسائل غیرشرعی به کار نمی‌آید (نائینی، ۱۳۵۲: ۱۰۶/۲؛ بروجردی، ۱۴۱۶: ۹۴/۳، ۱۲۲؛ محقق حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۸). در نتیجه، این رویکرد تأکید دارد که تفسیر قرآن باید بر علم قطعی استوار باشد و اخبار آحاد منبع معتبر برای تفسیر به‌شمار نمی‌آیند و تنها در حوزه مسائل فقهی حجیت دارند.

۲-۱) دیدگاه موسوی سبزواری در باب حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن

مواهب‌الرحمن، اثر سیدعبدالأعلی موسوی سبزواری (۱۲۸۹-۱۳۷۲ش)، از تفاسیر جامع و معتبر معاصر است که مؤلف در مقدمه صراحتاً بر التزام به مبانی و روش‌های معتبر تفسیری تأکید کرده است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۶/۱). سبزواری بر این باور است که **خبر واحد**، نه‌تنها در فقه بلکه در حوزه‌های دیگر معارف دینی از جمله تفسیر نیز معتبر است. او ضمن تقسیم ادله‌ی شرعی به سه دسته‌ی قطع‌آور، شک‌آور و ظن‌آور، خبر واحد را در صورت مقبولیت عقلایی و نبود منع شرعی، واجد اعتبار دانسته (همان، ۶/۲) و معتقد است که سنت عقلایی از عصر ائمه علیهم‌السلام، بر تخصیص و تقیید کتاب به وسیله‌ی خبر واحد استوار بوده است. وی اضافه می‌کند: «خبر واحد معتبر می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای برای تخصیص یا تقیید عمومات و اطلاقات قرآن مورد استناد قرار گیرد» (موسوی سبزواری، ۱۴۱۷: ۱۴۴/۱). سبزواری هشدار می‌دهد که نفی حجیت خبر واحد، موجب انسداد باب اجتهاد و بی‌اعتباری بخش مهمی از اخبار تفسیری خواهد شد.

بر این مبنا، سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام با اتکا به آیاتی مانند نحل: ۴۴، احزاب:

۲۱، نساء: ۵۹، واقعه: ۷۹ و روایت ثقلین منبع معتبر تفسیر قرآن قلمداد می‌شوند که نقش روشنگر در کشف معانی آیات دارند. وی با اشاره به تفاسیر متقدم مانند طبری، صافی، دُرُّالمنثور، کنزالدقائق و البرهان، حضور پررنگ حدیث را در تاریخ تفسیر یادآور می‌شود.

گرچه در آثار متأخر، به‌دلیل رشد تفسیر قرآن به قرآن و روش اجتهادی، نقش سنت در تفسیر بعضاً محدود یا به‌عنوان امری مؤید تلقی شده است، مواهب‌الرحمن همچنان بر استفاده گسترده از روایات، به‌ویژه اخبار آحاد، در تبیین و تطبیق آیات قرآن پای می‌فشارد. سبزواری سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام را نه‌تنها تأییدکننده معنای آیات، بلکه مفسر و مبیّن آن‌ها معرفی می‌کند. با این وجود، اعتبار هر روایت در چارچوب تطبیق با قرآن ارزیابی می‌شود که نشان از تعامل عقلانی میان معناشناسی قرآنی و حجیت سنت در رویکرد ایشان دارد. وی تصریح می‌نماید: «برخی معاصران وثوق به صدور حدیث را، به هر طریقی که حاصل شود، کافی برای حجیت می‌دانند و این نظریه درست است؛ زیرا اعتبار حدیث، اعم از احکام فرعی یا معارف دینی، مبتنی بر وثوق و اطمینان عادی است و مانعی برای شمول آن وجود ندارد» (همان، ۱۱۶/۲). وی معتقد است: «سیره عقلاء از عصر ائمه، بر تخصیص و تقیید کتاب به‌وسیله خبر واحد استوار بوده و خبر واحد معتبر می‌تواند قرینه‌ی تخصیص عمومات و تقیید اطلاقات قرآن باشد. اگر خبر واحد حجت نباشد، باب اجتهاد بسته می‌شود» (همان، ۱۴۴/۱).

از منظر سبزواری، تفسیر قرآن بدون بهره‌گیری از سنت ممکن نیست. او در ذیل آیه نساء: ۸۳ و با استناد به روایت «وَ أَنْ یرُدُّوا عِلْمَهُ إِلَینَا»، صریحاً تأکید می‌کند: «قرآن کریم جز به‌واسطه سنت قابل تفسیر نیست و نسبت قرآن به سنت، همچون متن به شرح است؛ از این رو، حدیث معتبر از منابع بنیادین فهم و تفسیر قرآن است» (همان، ۴۹/۵).

در روند تفسیر، سبزواری چه در متن اصلی و چه در بخش «بحث روایی»، به نقل و بررسی روایات می‌پردازد و پس از ذکر روایت، دلالت و سند آن را تحلیل و گاهی به نقد رجال یا جمع میان روایات می‌پردازد. این رویه، نشان‌دهنده تلفیق هوشمندانه بین رویکرد نقلی و اجتهادی و پایبندی به مبانی اصولی در تفسیر است. در مجموع، دیدگاه سبزواری در مواهب‌الرحمن، بر مبنای پذیرش هر دو روش اجتهادی و نقلی استوار است؛ او ضمن

پذیرش اصل تفسیر قرآن به قرآن، سنت را خصوصاً در قالب خبر واحد معتبر و وثوق‌آور برای تبیین، تخصیص و تفسیر آیات لازم می‌داند و معتقد است بدون بهره‌گیری از سنت، تفسیر صحیح قرآن ناممکن خواهد بود.

روایات آحاد در تفسیر قرآن، به‌ویژه در «مواهب‌الرحمن»، نقش مهمی در تبیین مفاهیم، کشف بواطن و روشن‌سازی احکام آیات ایفا می‌کنند. این بخش به بررسی نحوه استفاده آیت‌الله سبزواری از خبر واحد و جایگاه آن در فرآیند تفسیری ایشان اختصاص دارد.

الف) تأیید ظواهر آیات با بهره‌جویی از خبر واحد

در **مواهب‌الرحمن**، بهره‌گیری از خبر واحد برای تأیید و تبیین ظواهر آیات، روشی مهم به‌شمار می‌آید. سبزواری، احادیث غیرمتواتر را قرینه‌ای در کنار ظاهر آیه دانسته و فهم دقیق‌تر مفاهیم قرآنی را در گرو تلفیق آیه و سنت می‌داند. برای نمونه، در تفسیر آیه «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ...» (طه: ۱۱۵)، تفاوت میثاق عمومی و اختصاصی انبیاء را تنها براساس روایات معتبر قابل تبیین می‌داند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۹۹/۱؛ همان، ۲۲۱/۱؛ ۷۲/۱؛ ۷۴/۱).

ب) قرآن و سنت، دو منبع مکمل در کشف معارف الهی

سبزواری قرآن و سنت را دو منبع مکمل و جدایی‌ناپذیر برای فهم حقایق دینی می‌داند؛ قرآن اصول را بیان می‌کند و سنت، بیانگر شرح و تبیین جزئیات است. در تفسیر آفرینش آدم علیه‌السلام، به نقل روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره خلقت از خاک استناد می‌کند و تأکید دارد که معرفت این امور غیبی، جز از مسیر قرآن و سنت ممکن نیست (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۹۹/۱).

در موضوع طینت و میثاق (اعراف: ۱۷۲)، سبزواری با استناد به روایات، علم به طینت را منحصر به وحی می‌داند. او ضمن نقل دو نوع طینت (قطعی و مشروط)، با توجه به ظواهر قرآن و عقل، طینت مشروط را هماهنگ با عدل الهی ترجیح می‌دهد (همان، ۱۶۴/۱؛ ۳۸۵/۳–۳۹۲). در تفسیر آیه «**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقْرَبُوا الصَّلاةَ وَ أَنْتُمْ سُکارى**»، سُکر را هر نوع اختلال در آگاهی می‌داند اعم از مستی شراب، خواب یا غفلت و با استناد به روایات، شرط صحت نماز را حضور قلب می‌شمارد؛ مانند روایت امام صادق علیه‌السلام: «نمازگزار اگر

بداند چه می‌گوید، گناهی بر او نیست» (همان، ۲۲۴/۸؛ نیز ۳۷۵/۶؛ ۳۱۲/۸؛ ۱۰۷/۱۱).

ج) روایات جری و تطبیق؛ تفسیر فرازمانی قرآن

قاعده «جری و تطبیق» بیانگر آن است که قرآن محدود به عصر نزول نیست و احکامش در هر زمان و مکانی، بر مصادیق مشابه جاری می‌شود. علامه طباطبایی تأکید دارد که «مورد نزول، مخصص آیه نخواهد بود» و هر فرد یا جامعه دارای ویژگی مشابه، مشمول حکم آیه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷۲/۳–۷۳). موسوی سبزواری نیز بر جهان‌شمولی قرآن تأکید داشته و تصریح می‌کند که آیات، فراتر از زمان نزول، در عصر غیبت یا هر شرایط مشابه، همچنان جاری‌اند؛ خواه وعده باشند یا وعید یا ستایش (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۴۲۷/۶). مثلاً در تفسیر «**أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُم**»، با اینکه آیه درباره یهود نازل شده، معتقد است هرکس در هرزمانی با آن صفات، مشمول این حکم است (همان، ۲۹۸/۸–۲۹۹). وی همچنین تأکید دارد که روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام درباره تطبیق آیات، تخصیص مصداق نیست، بلکه ذکرِ نمونه‌های عینی برای پویایی و کلیت قرآن است (همان، ۷/۱؛ ۳۶/۱).

د) روایات فضائل سور

موسوی سبزواری در ادامه تفسیر سوره حمد، در بخش «بحث روایی» به مجموعه‌ای از روایات اشاره می‌کند که به‌صورت متفقٌ‌علیه میان شیعه و سنی، فضیلت این سوره را بیان کرده‌اند. این سوره با عناوینی همچون «سبع مثانی» و «ام‌الکتاب» معرفی شده است که هر دو، بیانگر جایگاه ممتاز آن در میان دیگر سوره‌های قرآن‌اند. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «همانا فاتحة الکتاب بهترین سوره‌ای است که خداوند در کتاب خود نازل کرده و شفای هر دردی است جز مرگ» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱/ ۴۷).

در ذیل عنوان «فضل سوره انعام» نیز، سبزواری ضمن بیان جایگاه و اهمیت والای این سوره، به نقل روایاتی متعدد در باب فضیلت آن می‌پردازد. او در بیان خواص و آثار معنوی این سوره می‌نویسد: «از جمله آثار مهم این سوره آن است که برای برآورده شدن حاجات و رسیدن به مقاصد، روشی خاص برای ختم آن با تعداد معین روایت شده است و ادعای تجربه نیز شده است». وی برای تأیید این سخن به روایت امام صادق علیه‌السلام استناد می‌کند

که فرمودند: «اگر مردم می‌دانستند در قرائت این سوره چه برکاتی نهفته است، هرگز آن را ترک نمی‌کردند» (همان، ۱۳/ ۲۸-۳۰؛ ر. ک: ۴/ ۲۹؛ ۷/ ۲۸۹). سبزواری با استناد به روایاتی از منابع شیعه و سنی درباره فضیلت آیه‌الکرسی (عیّاشی، ۱۳۸۰: ۱۳۷/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۳/۱)، تأکید می‌کند که احادیث این باب گسترده‌تر از نمونه‌های یادشده‌اند و به‌ویژه بر استحباب قرائت آن در موقعیت‌های متنوعی چون سفر، پس از نماز و لحظات احتضار دلالت دارند (همان، ۲۷۰/۴). بنابراین، سبزواری با پذیرش حجیت خبر واحد، روایات معتبر را در تفسیر قرآن مؤثر دانسته و آن‌ها را در تبیین، تعیین مصادیق و تأیید ظواهر آیات به‌کار می‌گیرد.

۲-۲) دیدگاه علامه طباطبایی درباره‌ی حجیت خبر واحد در تفسیر

علامه طباطبایی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان عرصه تفسیر در دوران معاصر است که موضعی انتقادی نسبت به حجیت مطلق «خبر واحد غیر محفوف به قرینه» در تفسیر قرآن اتخاذ کرده است. وی در آثار خود تصریح می‌کند که اعتبار و حجیت روایات، به ویژه در حوزه تفسیر و اعتقادات، همواره محل بحث و ملاحظه بوده و واضعان علم اصول نیز اغلب حجیت خبر واحد را منحصر به احکام عملی دین می‌دانند. بدین ترتیب، وی بر این باور است که «خبر واحد موثوق‌الصّدور» تنها در فقه دارای حجیت است و در حوزه تفسیر و اعتقادات، این ملاک کارایی ندارد (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۱۲-۲۶۲).

از منظر علامه طباطبایی، قرآن کریم خود را به عنوان «نور»، «هدایت» و «تبیان لکل شیء» معرفی نموده و دعوت به تدبر و تأمل در آیات خویش دارد. در مقدمه المیزان می‌فرماید: «خداوند تنها به تدبر در آیات قرآن دعوت کرده و قرآن را به‌عنوان هدایت و تبیان برای همه چیز قرار داده است. چگونه کتابی که تبیان هر چیزی است، بدون کمک از خود، نیاز به نور دیگری پیدا کند؟» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/۱). با این حال، علامه طباطبایی در مواقعی دیگر اشاره می‌کند که قرآن به‌تنهایی برای درک کامل معارف و احکام کافی نیست و تأکید دارد که فهم دقیق احکام، داستان‌های پیامبران، سرگذشت امت‌های پیشین و مسائل مربوط به معاد بدون تبیین پیامبر اکرم ﷺ امکان‌پذیر نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۸۴/۳). او بر مبنای آیه «**لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ**» (نحل/۴۴) بیان می‌کند پیامبر ﷺ مأمور تبیین

معارف، احکام و سنت‌های الهی است. از این رو، تفسیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در همه سطوح معانی قرآن نص، ظاهر و متشابه حجت محسوب می‌شود و این حکم شامل احادیث معصومان علیهم‌السلام نیز هست (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۲/۱۲).

علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» ذیل آیه ۴۴ سوره نحل، با تأکید بر جایگاه سنت در تفسیر، معتقد است که سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام تنها در صورت نقل متواتر یا خبر واحد مشتمل بر قرینه قطعی معتبر است و خبر واحد ظنی اگر موافق با قرآن باشد فاقد اعتبار مستقل است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۱۲-۲۶۲).

از مجموع کلام علامه طباطبایی می‌توان نتیجه گرفت که وی به نظریه «اعتبار سنت (خبر متواتر و خبر واحد همراه قرائن) و استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر» معتقد است. به عبارت دیگر، علامه طباطبایی بر این باور است که قرآن در حجیت ظواهر و ارائه خطوط کلی دین مستقل است و غالباً با اجتهاد و تفسیر قرآن به قرآن می‌توان مراد الهی را فهمید. وی تأکید می‌کند که فهم قرآن نباید به‌طور کامل به سنت متکی باشد؛ چراکه این رویکرد با قرآن و با اخبار سازگار نیست. در واقع، استقلال قرآن در تفسیر نسبی است، نه انحصاری. به عبارت دیگر، قرآن در ارائه خطوط کلی دین مستقل است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۴/۳؛ طباطبایی، ۱۳۵۳: ۷۰). در رویکرد «اعتبار سنت و استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر»، اصل بر استخراج مفاهیم از خود قرآن با تکیه بر انسجام درونی آن است؛ سنت نقشی تبیینی دارد، مشروط بر سنجش اعتبار آن با معیارهای قرآنی. این نظریه، با حفظ مرجعیت قرآن، تعامل سنجیده و ضروری با سنت را نیز مدنظر قرار می‌دهد.

در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی با رویکرد عقلانی و تحلیل درون‌متنی، استفاده از خبر واحد را مشروط به وجود قرائن معتبر و تضمین صحت معنایی می‌داند. این بخش به بررسی معیارها و روش‌های طباطبایی در به‌کارگیری احادیث آحاد در فهم آیات و تأثیر آن بر برداشت‌های تفسیری اختصاص دارد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، به‌عنوان نمونه شاخص «تفسیر قرآن به قرآن» و رویکرد اجتهادی-عقلی، از استناد مستقیم به اخبار آحاد در متن تفسیر پرهیز می‌کند. روایات اخبار معتبر در بخش مستقلی با عنوان «بحث روایی» مطرح می‌شوند و صرفاً

پس از سنجش سندی و محتوایی برای تأیید یا تکمیل دیدگاه تفسیری به کار می‌روند؛ حتی روایت متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه نیز به این قاعده پایبند است (طباطبایی، ۱۴۱۷). برای نمونه، در تفسیر سوره مبارکه حمد، علامه طباطبایی فقط بر تحلیل قرآن به قرآن و اجتهاد عقلی تکیه دارد و از ارجاع به احادیث در متن خودداری نموده و روایات را جداگانه در «بحث روایی» ذکر می‌کند. در تفسیر آیه «**الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا...**» (مائده: ۳)، با وجود اهمیت اعتقادی آیه، علامه بدون استناد به حدیث و صرفاً با تحلیل متن قرآن به تبیین آن می‌پردازد. همین رویکرد در تفسیر آیه مباهله «**فَقُلْ تَعَالَوْا...**» (آل‌عمران: ۶۱) نیز مشاهده می‌شود؛ روایات ذیل این آیه تنها در بخش روایی با استناد به منابعی مانند تفسیر قمی، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، تفسیر عیاشی و الاختصاص مطرح شده است (همان، ۲۲۹/۳-۲۳۰). این روش بیانگر پایبندی علامه به محوریت قرآن و اعتبارسنجی دقیق سنت در تفسیر است.

در تفسیر آیه ولایت «**إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...**» (مائده: ۵۵)، علامه طباطبایی صرفاً با تحلیل مفهومی و اجتهادی، به دلالت آیه بر ولایت خاص امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌پردازد و از استناد مستقیم به روایات در متن تفسیری اجتناب می‌ورزد. وی، روایات متعدد شیعه و اهل سنت در شأن نزول آیه را، که حاکی از صدقه‌دادن انگشتر توسط حضرت علی علیه‌السلام در حال نماز هستند، تنها در بخش «بحث روایی» درج نموده و یادآور می‌شود که اعتبار بالای این روایات، نقش تأییدی آنها را برجسته می‌سازد؛ به گونه‌ای که عبور از آنها به معنای سلب اعتبار از مبنای روایی تفسیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹/۶).

در تفسیر آیه تطهیر «**إِنَّما يُرِيدُ اللَّهُ...**» (احزاب: ۳۳)، پس از تبیین عقلی و درون‌قرآنی مفهوم آیه و رد دیدگاه‌های مخالف، علامه به نقل روایات متواتر از شیعه و اهل سنت می‌پردازد. وی این روایات را که به تصریح وی بیش از هفتاد طریق نزد اهل سنت و بیش از سی طریق نزد شیعه دارند و دلالت بر انحصار آیه به پنج‌تن آل عبا دارند به دلیل هماهنگی با محتوای قرآنی معتبر می‌داند (همان، ۳۱۲/۱۶). در مجموع، شیوه علامه طباطبایی بر تقدم تحلیل قرآن به قرآن و بهره‌گیری نظام‌مند از سنت معتبر صرفاً در جایگاه تأییدی و نه بنیاد تفسیر استوار است و چنین تفکیکی از ویژگی‌های روشی المیزان به‌شمار می‌رود.

بنابراین، روش تفسیری علامه طباطبایی نشان می‌دهد که او با تکیه بر استقلال روشی و تفسیر قرآن به قرآن، سنت را در چارچوبی نقادانه و مجزا به کار می‌گیرد. این رویکرد نظام‌مند، دقت علمی و انسجام روش‌شناختی المیزان را در میان تفاسیر معاصر برجسته می‌سازد.

۳) نتایج تحقیق

۱. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علامه طباطبایی با تکیه بر حجیت عقل و سنت، قرآن را منبعی مستقل اما نه منفرد برای کشف معارف دینی می‌داند. ایشان تفسیر صحیح قرآن را مستلزم مراجعه به سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام دانسته و این نیاز را مستند به نصوص قرآنی و سنت معتبر می‌کند. با وجود تأکید اساسی بر اصل «تفسیر قرآن به قرآن»، طباطبایی نقش سنت را مکمل، و نه جایگزین، برای فهم عمیق آیات برمی‌شمارد. ایشان در ارزیابی روایات، اصل وثاقت و وجود قرائن صدق را ملاک قرار داده و خبر واحد را صرفاً در صورت همراهی با شواهد معتبر می‌پذیرد؛ به‌ویژه در حوزه اعتقادات که اقتضای یقین و علم دارد، احتیاط بیشتری اعمال می‌کند. نوآوری روش‌شناختی طباطبایی را می‌توان در تلفیق عقلانیت و نقل‌گرایی معتدل دانست که مرز تفسیر علمی و تعبدی را تبیین می‌کند.

۲. در مقابل، موسوی سبزواری با استناد به سیره عقلاء و عدم ردع شارع، خبر واحد را حتی در حوزه تفسیر قرآن معتبر می‌شمارد. وی سنت را شرط لازم و مکمل تفسیر قرآن دانسته و از اخبار آحاد، جهت کشف لایه‌های معنایی آیات بهره می‌گیرد. رویکرد وی بر نقش ایجابی، گسترده و نظام‌مند سنت در فرایند تفسیر تأکید دارد و دوگانه ردّ یا پذیرش بی‌ضابطه اخبار را رویکردی غیرعلمی می‌داند.

۳. تفاوت اساسی میان دو رویکردِ مورد بررسی، در شیوه ارزیابی اعتبار روایات و نسبت آن با عقل و قرآن است: طباطبایی با رویکردی انتقادی-تحلیلی در پذیرش روایات عمل می‌کند، در حالی‌که سبزواری با رویکرد اثباتی-کاربردی، به بهره‌گیری گسترده‌تر از اخبار می‌پردازد. این تمایز روشی، بازتابی از تفاوت مبانی معرفت‌شناختی و هرمنوتیکی دو مفسر برجسته معاصر شیعه است و نوآوری این پژوهش را در ارزیابی تطبیقی و روشمند این دو دیدگاه رقم می‌زند.

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹، زمستان ۱۴۰۴

منابع

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمّد کاظم (۱۴۱۵ق)، **کفایه الاصول**، به کوشش الشیخ سامی الخفاجی، الطبعه الاولی، قم، انتشارات دارالحکمه.

ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد (۱۳۹۶ق)، **الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقة**، قاهره، چاپ عبدالوهاب عبداللطیف.

ابن‌حنبل، احمد (۱۴۲۹ق)، **مسند أحمد بن حنبل**، بیروت، دار الفکر.

اراکی، محمّد علی (۱۴۱۹ق)، **اصوا الفقه**، قم، مؤسسه فی طریق الحق.

استرآبادی، محمّد أمین (۱۴۲۶ق)، **الفوائد المدنیة**، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.

بابایی، علی اکبر (۱۳۸۹ش)، **مکاتب تفسیری**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بروجردی، سید حسین (۱۴۱۶ش)، **تفسیر الصراط المستقیم**، قم، موسسه انصاریان.

جوادي آملي (۱۳۷۸ش)، عبدالله، **تسنیم**، قم، نشر اسراء.

حائری، عبدالکریم (۱۳۳۸ق)، درر الفوائد، قم: مطبعه مهر.

حر العاملی، محمّد بن حسن (بی تا)، **وسائل الشیعه**، بیروت، دار احیاء الثراث العربی.

حلبی، ابوالصلاح تقی بن نجم (۱۴۰۴ق)، **تقریب المعارف**، قم، نشر الهادی.

حکیم، محمد تقی (۱۴۱۸ق)، **الأصول العامة للفقه المقارن**، قم، مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، **البیان فی تفسیر القرآن**، قم، موسسة احیاء آثار الامام الخوئی،

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات**، به کوشش صفوان عدنان داودی، دمشق/ بیروت، دارالقلم/ الدار الشامیه.

سبحانی، جعفر (۱۳۸۸ش)، **الوسیط فی اُصول الفقه**، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.

سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، **نهج البلاغه** (صبحی‌صالح)، قم: مؤسسه دارالهجره.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۶۷ش)، **الرعایه فی علم الدرایه**، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه.

شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، به کوشش شیخ آغابزرگ تهرانی و احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

شبر، سید عبدالله (۱۴۲۴ق)، حق الیقین فی معرفة أصول الدین، قم، أنوارالهدی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۳ش)، **قرآن در اسلام**، به کوشش رضا ستوده، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان**، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

عاملی، حسن بن زین الدین (۱۴۱۵ش)، **معالم الأصول**، بیروت، دار الفکر العربی.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷ش)، **مبانی و روش‌های تفسیر قرآن**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران، مکتبة الصدر.
لاریجانی، محمد صادق (۱۳۸۱ش)، «کاربرد حدیث در تفسیر و معارف»، **الهیات و حقوق**، شمارهٔ ۵، صص۱۵۵ تا ۱۷۴.
المامقانی، عبدالله (۱۴۱۱ق)، **مقباس الهدایه فی علم الدرایه**. قم، آل‌البیت علیهم‌السلام.
محقق حلی، جعفربن حسن (۱۴۰۳ق.) **معارج الأصول**، اعداد محمدحسین الرضوی، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام للطباعه و النشر.
محقق حلی، . جعفربن حسن (۱۴۱۴ق)، **المسلک فی أصول الدین و الرسالة الماتعیة**، تحقیق رضا استادی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
مجاهد، سید محمد (۱۲۹۶ق)، **مفاتیح الأصول**، قم، مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام.
مشکینی، ابوالحسن (۱۴۱۳ق)، حاشیه بر **کفایة الأُصول** آخوند خراسانی، قم، لقمان.
مصباح، محمدتقی (۱۳۸۹ش)، «**حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن**»، معرفت، شماره ۱۵۲، صص۵-۱۴.
مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵ش)، **اصول الفقه**، قم، انتشارات اسماعیلیان.
معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰ش)، «کاربرد حدیث در تفسیر»، **الهیات و حقوق**، شماره ۱، صص۱۴۱ تا ۱۴۶.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، **سلسلة مؤلفات الشیخ المفید**، به کوشش علی میرشریفی، بیروت، دار المفید.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **الإختصاص**، قم، کنگرهٔ جهانی هزارهٔ شیخ مفید.
مکارم شیرازی ناصر (۱۴۱۴ق)، **انوار الأصول**، احمد القدسی، قم، انتشارات نسل جوان.
موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۷ق)، **تهذیب الاصول**، ط۳، قم، مؤسسة المنار.
موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۰۹ق)، **مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه اهل‌بیت علیهم‌السلام.
میرزای قمی (۱۳۷۸ش)، قوانین الأصول، تهران، کتابفروشی علمیّه اسلامیّه.
نائینی، محمدحسین، **أجود التقریرات**، تقریر ابوالقاسم خویی، نجف، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ق.
ناصح، علی احمد (۱۳۸۲ش)، «پژوهشی در اعتبار احادیث تفسیری»، **پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث** (صص ۴۹-۶۴).
متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۹۷ش)، **کنزالعمال**، به کوشش صفوت سقا، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی.
نجیب محمد، سیدحسین (۱۳۸۳ش)، جمال السالکین، العالم الربانی السیدعبدالاعلی السبزواری، قم: اعتصام.
نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق)، عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.